

کلاس عالی درس اخلاق

جزوه تربی

"درس خدمت"



## خدمت

## درس اول :

جمال اقدس ابھی می فرماید، قوله تعالیٰ: "جميع عالم از برای عرفان حق جل جلاله و خدمت امرش

خلق شده اند. (آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، ص ۱۹)

و در کتاب مستطاب اقدس می فرماید: "مَنْ عَرَفَنِي يَقُومُ عَلَيَّ خِدْمَتِي بِقِيَامٍ لَا تَقْعِدُهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ

الْأَرْضِينَ."

اساساً هدف از خلقت ما، عرفان و خدمت است و اول چیزی که از عرفان و عشق و نیت خیر

حاصل می شود، همانا شوق عمل به موجب رضای محبوب و تعالیم او و خدمت امر او می باشد که در

حقیقت محک عرفان و عشق و نیت خیر است.

به قول سعدی:

هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم      نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

محال است کسی به آتش عشق و عرفان محبوب فائز شود ولی ماء وجودش در بوته خدمت و عمل به

موجب رضای محبوب نجوشد و به حرکت و خروش نیاید. این است که در کتاب اقدس، عارفان و

عاشقان حقیقی را چنین توصیف می فرماید:

"لَوْ يَجِدُ أَحَدٌ حَلَاوَةَ الْبَيَانِ الَّذِي ظَهَرَ مِنْ فَمِ مَسْتَبَةِ الرَّحْمَنِ لَيَنْفِقُ مَا عِنْدَهُ وَ لَوْ يَكُونُ خَزَائِنُ الْأَرْضِ كُلِّهَا

لَيُسَبِّتَ أَمْرًا مِنْ أَوْامِرِهِ الْمَشْرُوقَةِ مِنَ أَفْقِ الْعِنَايَةِ وَالْأَلْطَافِ... لَعَمْرِي مَنْ شَرِبَ رَحِيقَ الْإِنصَافِ مِنْ آيَادِي الْأَلْطَافِ

إِنَّهُ يَطُوقُ حَوْلَ أَوْامِرِ الْمَشْرُوقَةِ مِنْ أَفْقِ الْإِبْدَاعِ... إِنَّ الَّذِي وَجَدَ عَرَفَ الرَّحْمَنَ وَعَرَفَ مَطْلَعَ هَذَا الْبَيَانِ إِنَّهُ

يَسْتَقْبَلُ بِعَيْنِهِ السَّهَامَ لِأَثْبَاتِ الْأَحْكَامِ بَيْنَ الْأَنَامِ."

نفس عمل و خدمت به نوبه خود، موجب ازدیاد عرفان و عشق می گردد و آن را حفظ می کند و

تعدیل می‌نماید. با چنین برداشتی، لسان عشاق جمال ابهی چنین نغمه می‌سرایند که: "باید شکر به درگاه حضرت احدیت نمائیم که ما را در چنین روز فیروزی خلق فرموده و فرصت بخشیده که در سبیل عبودیت آستانش قدمی برداریم و گوئی برائیم (پیام معهد اعلی، ۹ می ۱۹۹۱) و مرکز میثاق می‌فرمایند: "پس به شکرانه این الطاف و اعطاف و اسعاف باید بر خدمت امرش قیام نمائیم و به موجب وصایا و نصایحش عمل نمائیم تا جهان تاریک روشن گردد و گلخن غبطه گزار و چمن گردد"

(مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۸، ص ۵۲)

از جلوه‌های شورانگیز و پرشور و شوق امر جمال قدم جل جلاله، همواره نور خدمت است که از وجود هر فرد از احباب ساطع می‌گردد. چنانکه گوئی خدمت از وجود او انفکاک‌ناپذیر است. زیرا نمی‌توان شمعی را مشتعل تصوّر نمود که نور نداشته باشد یا نفسی را در نظر آورد که ادعای ایمان حضرت بهاء‌الله دارد اما از محبت و خدمت به نوع انسان و آستان الهی به دور باشد.

بالمال بر عهده مؤمن بهائیت که به خصوص در ایام شباب و بهترین ایام زندگانی و وقت همت و توانائی، در قیام به خدمت و جولان در عرصه عبودیت و تقدیم ایام قابل عرضه حیات، به عالم انسانی تعجیل نماید و تا بهار شکوفانی را خزان خمودت و ناتوانی غلبه ننموده است، کفایت و لیاقت خویش را در قبال ایمان و ایقان به ثبوت رسانده و از تمسک آنچه شرط و فاست دریغ ننماید. زیرا اثرات خدمت در ایام جوانی با سایر ایام حیات قابل قیاس نبوده و نیست. "طوبی از برای نفسی که در ایام جوانی و ربیعان شباب به خدمت مالک مبداء و مآب قیام نماید و به حبش مزین شود. ظهور این فضل اعظم از خلق سموات و ارض است" حضرت بهاء‌الله (آهنگ بدیع، سال ۳۷، شماره ۳۴۳، ص ۹۶)

لازمه درخشش شمع و آراستن محیط به انوار ساطعه از آن، فدا کردن جان و از خود رها شدن است. تا شمع نگدازد و تن رها نسازد، محفل نیاراید. لاجرم روشنی شمع عالم افروز، مستلزم مقام فداست و سطوع و تلاء لواء آن منوط به فنای نفس و توجه به حق است. خدمت به آستان احدیت در حقیقت مقام فداست، خود فراموشی است. نیستی در حقیقت همه هستی است. عالم افروزی است.

تاج و هاج بندگی جمالقدم است.

به نظر شما ارزش خدمت در جوانی چیست؟ چرا ظهور جوانانی که در ایام جوانی به خدمت قیام نمایند، را اعظم از خلق آسمانها و زمین فرموده‌اند؟

خدمت با اصول (عرفان، عبودیت، عشق، خلوص نیت، وفا، فدا) چه ارتباط هائی دارد؟

#### ۱ - معنی خدمت :

" باید دوستان الهی به خدمت امر مشغول شوند و خدمت امر، عمل به آنچه در کتاب الهی نازل بوده و خواهد بود، ایوم اخلاق حسنه و افعال مرضیه و تبلیغ امر الهی بالحکمة لازمست " جمال مبارک

مآئده آسمانی، ج ۸، ص ۱۴۱

" ای بنده درگاه جمال ابهی در فردوس الهی و جنت ابهائی مقامی مقدر شده که منتهی آرزوی مفرین

است و آن فنای در جمیع شئون و فدای کلی در سبیل حضرت بیچون، یعنی به جمیع حواس و قوی و جوارح و اعضاء و ارکان و عقل و نهی و قلب و فؤاد و روح و نفس و نهاد قیام به خدمت امرالله (حضرت عبدالبهاء) " ای اسمعیل جلیل یاران الهی باید ذبیح الهی باشند یعنی جمیع شئون خویش را فدا و قربان نمایند تا به مقام فناء فی الله که قربانی کلی ربانی است فائز گردند و آن ترک اراده و رضا و خواهش خود و عبودیت بندگان جمال ابهی روحی لاحبائنه الفداست چه که ذات احدیتش مقدس از عبودیت عالم بشریت است و غنی از رقیبت مادون است، پس باید به عبودیت بندگانش پرداخت که عین عبودیت اوست."

(مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۱۵۱)

## ۲ - خدمت علت خلقت انسان

"خَلَقْنَا الْعِبَادَ لِعِدْمَتِي إِنَّهُمْ كَفَرُوا بَعْدَ الَّذِي كَشَفْنَا لَهُمُ الْوَجْهَ بِنُورِ مُبِينٍ"

(آثار قلم اعلی، ج ۱، ص ۳۲۳)

"إِلَهِي إِلَهِي أَشْهَدُ بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَأُظْهِرْتَنِي لِلْقِيَامِ عَلَى خِدْمَتِكَ وَخِدْمَةِ أَوْلِيَائِكَ"

(آثار قلم اعلی، ج ۶، ص ۷۰)

"جمیع عالم از برای عرفان حق جل جلاله و خدمت امرش خلق شده اند."

(آثار قلم اعلی، ج ۷، ص ۱۹)

"انفاس حیات را صرف اموری عظیم کنید و مدت زندگانی را حصر در خدمت نور مبین نمایید. تا عاقبت

(مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۲۷۴)

گنج روان ملکوتی بدست آرید."

## ۳ - خدمت ثمره زندگانی

ثمر عمر، معرفت، محبت الله و خدمت و ایثار است. در تأکید مطلب از بحر آثار الهیه تکرر و ثالی

ثمینه به خزائن قلوب بسپاریم:

"مَا خَلَقْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ بَلْ لِعِدْمَةِ أَمْرِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ". (اشراقات، ص ۲۰۴)

ایضا "در مناجات مولود است: "مولود که متولد می شود در گوش راست او سه مرتبه تلاوت

نمائید:

"قَدْ جِئْتُ بِأَمْرِ اللَّهِ وَظَهَرْتُ لِذِكْرِهِ وَخُلِقْتُ لِخِدْمَةِ الْعَزِيزِ الْمَحْبُوبِ". (امر و خلق، ج ۴، ص ۷۳)

و حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"عزّت و حیات جاودانی در ترک شئون نفسانی و خدمت به آستان الهی است. جمیع تأییدات طائف حول نفوس است که قائم بر خدمت آستان احدیتند. هیچ امری جز عبودیت جمال مبارک مؤید نیست. آسایش من در خدمت امرالله است و راحت و مسرت من در عبودیت آستان حضرت بهاءالله. آنچه سبب فوز و فلاح و نجاح است خدمت امرالله است و الا عمر بیهوده می گذرد و ابداً نتیجه ای ندارد.

(خدمت و عبودیت، ص ۱۹)

#### ۴ - خدمت و استعداد

نعماء و مواهب الهیه باید مصروف طریق رضای او، که خدمت به خلق اوست گردد. زیرا ثمرات و برکاتش محدود به حدود نه. از جمله مواهبی که خداوند در وجود انسان به ودیعت نهاده است تا آن گنج روان را به خدمت نثار نماید، استعداد و توانائی نهفته وجود اوست، علی الخصوص در ایام جوانی. حکمت جوانی، شکوفائی استعدادهاست و امکان استعانت از توان و توشه مودوعه الهی. تا بتواند کسب فضائل انسانی کند. اکتساب ابهی ثمره شجره دانش کند و اختیار افعال ممدوحه الهیه نماید. به اعتبار این قوا در عرصه خدمت مجهز باشد و در جولانگاه عبودیت مبرز و مطرز.

"خدا استعدادی که به شما عنایت فرموده برای اینست که در خدمت ملکوتش صرف نمائید. زیرا در هر امری استعداد خود را صرف کنید، نتایجش محدود است مگر در امر الهی و خدمت به وحدت عالم انسانی و انتشار کمالات روحانی که نتایج آن غیر محدود است. هر نفسی که در سبیل الهی جانفشانی نماید چون شمع در انجمن عالم بدرخشد. ملاحظه کنید که حواریون مسیح با آنکه از عوام بودند چون استعداد خود را در امر الهی صرف کردند چگونه از افق عزّت ابدی می درخشند... پس بکوشید استعداد خود را فدای امر الله نمائید."

(سفر نامه مبارک حضرت عبدالبهاء، ج ۲، ص ۲۹۰)

#### ۵ - خدمت به منزله شکرانه الطاف الهیه:

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"پس به شکرانه این الطاف و اعطاف و اسعاف باید به خدمت امرش قیام نمائیم و به موجب وصایا و نصائحش عمل نمائیم."

(مکاتیب عبدالبهاء، ج ۸، ص ۵۲)

ایضا "جای شکرانه این الطاف باید به خدمت حضرت بدیع الاوصاف پرداخت."

(مائده آسمانی، ج ۵، ص ۳۱)

بر اهل ایمان پوشیده نیست که شکرانه مواهب الهیه از جمله انگیزه مهمته خدمت و وسائل ایجاد ذوق و شوق خدمت در وجود احبباء الهی است. به فرموده مولای توانا حضرت عبدالبهاء و به پاس الطاف حق جلّ جلاله باید به خدمت آستانش پرداخت و سر تعظیم و تکریم بساحت اقدسش فرود آورد.

شکرانه الطاف الهی بر عباد فرض است و هر هنگام که ایجاب کند واجب است به ذکر و ثنای حق و حمد و سپاس درگاهش متذکر شد. اما به سفارش حق، احسن و اولی آنکه ستایش پروردگار توأم با اعمال حسنه و خدمات شایسته و مورد رضای الهی باشد. شکرانه الطاف خدمت درگاه است.

## درس دوم:

جمال مبارک در لوح حکمت می فرماید: "... قُلْ يَا قَوْمِ دَعُوا الرِّذَائِلَ وَخُذُوا الْفَضَائِلَ. كُونُوا قُدُورًا حَسَنَةً" بَيْنَ النَّاسِ وَصَحِيفَةً يَتَذَكَّرُ بِهَا النَّاسُ مَنْ قَامَ لِحِدْمَةِ الْأَمْرِ أَنْ يَضُدَّعَ بِالْحِكْمَةِ وَيَسْعَى فِي إِزَالَةِ الْجَهْلِ عَنِ بَيْنِ الْبَرِيَّةِ. قُلْ: إِنْ اتَّحَدُوا فِي كَلِمَتِكُمْ وَاتَّقُوا فِي رَأْيِكُمْ وَأَجْعَلُوا إِشْرَاقَكُمْ أَفْضَلَ مِنْ عَشِيَّتِكُمْ وَغَدَمَكُمْ أَحْسَنَ مِنْ أَمْسِكُمْ. فَضْلُ الْإِنْسَانِ فِي الْخِدْمَةِ: وَالْكَمَالُ لَا فِي الزُّنْبِ وَالثَّرْوَةِ وَالْمَالِ. اجْعَلُوا أَقْوَالَكُمْ مُقَدَّسَةً عَنِ الرِّبِّحِ وَالْهَوَىٰ وَأَعْمَالَكُمْ مَرْهُةً عَنِ الرَّبِّ وَالزُّبَا... اجْتَنِبُوا التَّكَاهُلَ وَالتَّكَاثُلَ وَتَمَسَّكُوا بِمَا يَنْتَفِعُ بِهِ الْعَالَمُ مِنَ الضَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالتَّيْسُوعِ وَالْأَرَامِلِ..."

(مجموعه الواح مبارکه، ص ۳۷)

کدام قسمت از بیان مبارک فوق را به عنوان شعار یا نقطه نظر گاه خود بر می گزینید آنرا بنویسید:

بنظر شما چگونه می توان به آن عامل بود؟

## ارزش خدمت

## ۱ - خدمت آرزوی حقایق ملاء اعلی است:

"الیوم حقایق مقدسه ملاء اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع به این عالم می نمایند تا موفق به خدمتی به

(ظهور عدل الهی، ص ۹۹)

آستان جمال ابهی گردند."

## ۲ - قیام به خدمت نیل به مقصود است:

"طوبی از برای مقبلی که بطراز همت مزین شد و بر خدمت امر قیام نمود او به مقصود فائز و به آنچه از

برای او خلق شده عارف." جزوه خدمت و عبودیت، ص ۲۸

### ۳ - خدمت به امر، شهادت محسوب است:

"انشاء الله به کمال تقدیس و تزیه و ماینبغی لیوم الله مشاهده شود و به مقام شهادت کبری فائز گردد. الیوم خدمت امر از اعظم اعمال است... این شهادت محدود به ذبح و انفاق دم نبوده چه که می شود انسان با نعمت حیات از شهداء در کتاب مالک اسماء ثبت شود." (امر و خلق، جلد ۳، ص ۱۷)

حضرت عبدالبهاء در جواب میس لواگتسینگر که تقاضای شهادت از حضورشان کرده بود، می فرماید: "من در حق تو دعا می کنم که به مقام شهادت نائل شوی. اصل شهادت خدمت است، تو الحمدالله به خدمت قائمی من در حق تو دعا می کنم و این مقام را می طلبم. مطمئن باش."

### "ضرورت های اساسی خدمت"

#### ۱ - توجه و اتکاء به تأییدات الهیه:

حضرت ولی امر الله می فرماید: "هیچ امری به اندازه خدمت به امر الله موفقیت در بر ندارد و خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است در این صورت وقتی شخص فعال باشد روح القدس او را تأیید می کند و در صورت عدم فعالیت روح القدس از شمول تأیید باز مانده و شخص از اشعه شفا دهنده و روح بخش آن محروم می ماند." (جزوه خدمت و عبودیت، ص ۳۹)

حضرت عبدالبهاء می فرماید: "یقین بدانید قَوْلَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ اگر امروز شخصی از اضعف مخلوقات به خدمت حق پردازد تأییدات و توفیقات ربانی از هر جهت او را احاطه نماید."

(مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۲۳۵)

حضرت ولی امر الله می فرماید: "بیک فرد بهائی بر طبق موازینی که حضرت بهاء الله تعیین فرموده اند

باید قلباً و روحاً متوجه خدمت به امر باشد. هرگاه که این عمل انجام شود جنود ملاء اعلی آن فرد را تأیید خواهد کرد و کلیه مصائب و امتحانات متدرجاً مرتفع خواهد گشت."

(جزوه خدمت و عبودیت، ص ۴۱)

## ۲ - استقامت

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "هر میدان خدمتی که برای خود در نظر می گیرید خواه برای تبلیغ باشد و یا خدمت در تشکیلات، اصل لازم و ضروری اینست که از مجاهدان در سپیش باز نایستید و نگذارید توجه به کمبودهای شخصی در علاقه شما به خدمت امر ادنی نقصانی پدید آورد."

(نمونه حیات بهائی، ص ۱۶)

## ۳ - عدم توجه به توانائی و ناتوانی خویش :

"فی الواقع خصلت از خود گذشتگی و فداکاری در خدمت امر الهی مطلوب و مأجور است نه وسایل یا لیاقت ها و یا ثروت".

حضرت ولی امرالله (جزوه نمونه حیات بهائی، ص ۳۶)

"بر موانعی نظیر مرض و مشکلات خارجی هر قدر در نظر اول شدید و غیر قابل جبران باشد می توان و باید از طریق کوششی مداوم و ادعیه فائق گردید. مگر حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهء کرار" به ما اطمینان نداده اند که جنود غیبیه الهیه افرادی را که شجاعانه و با کمال اطمینان در سپیشان می کوشند نصرت دهند. یاری نمایند. این اطمینان باید شما را قادر سازد که بر هر احساس عدم لیاقت و کفایت در خدمت امر و بر هر نوع مشکلات ظاهری و باطنی و یا محدودیت که بیم تضعیف نیروی خدمت به امر در آن باشد فائق گردید. باید با قلبی طافج از مسرت و اطمینان قیام نمائید و سهم خود را به تمام قوا برای انتشار و توسعه بیشتر امر محبوب ایفا نمائید..."

حضرت ولی امرالله (نمونه حیات بهائی، ص ۱۶)

## ۴ - کسب معارف روحانی و علمی :

حضرت ولی امرالله می فرمایند: "ما به فضلی بهائی احتیاج داریم. نه تنها به کسانی که درک و دانش بسیار عمیقی از تعالیم امری داشته باشند، بلکه به افراد اهل مطالعه و تحصیل کرده، افرادی که بتوانند تعالیم بهائی را با افکار جاری زعمای جامعه مرتبط سازند و پیوند دهند." (توقیع ۵ ژوئیه ۱۹۴۹)

و ایضا می فرمایند: "در چنین هنگام سخت و موقعیت باریکی که امرالله بر طبق حکم بالغه الهیه از مراحل شدید می گذرد از وظائف مقدسه هر فرد بهائی این است که حقیقت و اهمیت این یوم رهیب را که یوم تغییر و تبدیل است به تمام درک نماید. پس از آن که به این نکته مهمه واقف گشتیم عاشقانه تصمیمی بگیریم

که با کمال استقامت برخاسته و با نهایت جانفشانی در اعلاای امر و انجام وظائف مقدسه مساعی و جهاد کردیم."

### ۵ - محبت، اتحاد، تعاون و تعاضد

" هر چه اتحاد شدیدتر گردد موهبت آسمانی عظیم تر شود و ابواب برکت حتی در کسب و تجارت گشوده شود و صیت امرالله بلند گردد."

حضرت عبدالبهاء (مجموعه الواح مبارکه به افتخار بهائیان پاریس، ص ۵۰)

" امروز اعظم مواهب الهیه اتحاد و اتفاق اجباء است تا این اتحاد و اتفاق سبب ترویج وحدت عالم انسانی

گردد." (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۸۸)

" هیچ عاملی سریع تر از شیوع روحیه زیاده روی در انتقاد یا تحریک به کشمکش و مشاجره در بین اجباء

یا ما بین اجباء و مؤسساتی که به اراده الهی تأسیس شده و وسیله ای عمده برای ایجاد وحدت و استحکام جامعه است در بی اثر ساختن مساعی یاران مؤثر واقع نمی شود."

(از مکتوب دارالانشاء معهد اعلی، خطاب، به محفل ملی آلمان، ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۴، پیام بهائی،

شماره ۱۸۶)

" بدون روح عشق و محبت حقیقی نسبت به حضرت بهاء الله و شریعت سمحه الهی و مؤسسات آن و نیز

عشق و محبت افراد بهائی نسبت به یکدیگر، امرالله در حقیقت هرگز قادر نخواهد بود که افراد کثیری را در ظل

لوی خود وارد سازد. زیرا آنچه دنیا طالب آن است، موعظه و وضع قانون نیست بلکه محبت و عمل است."

حضرت ولی امرالله (نمونه حیات بهائی، ص ۴۰)

در واپسین دیدار لوا گتسینگر با حضرت عبدالبهاء و از بیان کلمات تسلی بخش و الهام آفرین

حضرت عبدالبهاء در آن دیدار، سخنان زیر را نقل می کنیم:

حضرت عبدالبهاء فرمودند: "... به شما می گویم هر نفسی که به خدمت امر الهی قیام کند از روح الهی

مملو خواهد شد و خداوند جنود خویش را از آسمان به مدد شما خواهد فرستاد و اگر ایمان داشته باشید هیچ

چیز برای شما محال نخواهد بود."

چه وعده شگفت انگیزی. ارواح مستمعین به حرکت آمد. آنها مشتاق بودند که به میدان خدمت

بشتابند.

"اینک زمانی رسیده است که باید از یکدیگر جدا شویم، لکن این جدایی جسمانی است، در عالم روح متحد و متفقیم... رحمت و برکت عظیم به مردم سرزمین شما (آمریکا) وعده داده شده است. منتهی به یک شرط و آن این که قلوب آنها مملو از نار محبت باشد و اینکه آنها با چنان محبت و اتفاق کاملی زندگی کنند که چون نفس واحد در ابدان مختلف باشند. اگر آنها در انجام دادن این شرط قصور ورزند البته برکت و عنایت عظیم از آنها سلب خواهد شد. هرگز این را فراموش نکنید. با چشم کمال به یکدیگر بنگرید. به من نگاه کنید، از من بیاموزید. و چون من باشید، به خود یا زندگی خود فکر نکنید که آیا می‌خورید یا که می‌خوابید، آیا راحت هستید، تندرستید یا که بیمارید، در میان دوستانید یا در حلقه دشمنان، تحسین می‌شوید یا ملامت. به هیچ یک از این قبیل مسائل نباید ادنی اعتنائی داشته باشید. به من بنگرید و چون من باشید. باید در خوشتن و نسبت به این عالم فانی شوید، آنگاه تولد دیگر خواهید یافت و به ملکوت آسمان وارد خواهید شد. به شمع نگاه کنید که چگونه نور می‌بخشد. قطره قطره از وجودش را اشک می‌ریزد تا شعله نورش را فروزان نگاه دارد و روشنی بخشد."

(شعله، ص ۲۱ و ۲۲)

با هم، هم نوا شویم و این سرود را بخوانیم:

## درس سوم

اثرات خدمت، انواع خدمت و مصادیق خدمت

الف: اثرات خدمت

## ۱- شمول تائیدات الهی، مقبولیت در درگاه الهی:

"اگر نفسی فی سبیل الله نفسی بر آرد و خدمتی بنماید در ملکوت مذکور آید هرگز فراموش نشود.

(مکاتیب جلد ۷، ص ۳۱)

"امروز هر کسی به وحدت بشر خدمت کند در درگاه احدیت مقبول است زیرا جمیع انبیای الهی در

وحدت عالم انسانی کوشیدند و خدمت به عالم انسانی کردند." (مجموعه خطابات مبارکه، ص ۲۴)

بیت العدل اعظم می فرمایند: "مطمئن به تائیدات ملکوت ابهی باشند که طائف حول قائمین به

خدمت امر رب العالمین است. هر چه دامنه خدمات اجباء وسعت گیرد، امواج تائید اوجش بیشتر و خروشن

شدیدتر گردد." (منتخباتی از پیامهای بیت العدل، ص ۲۶)

"نفسیکه لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی".

(اشرافات، ص ۷۹)

## ۲- حصول عزت قدیمه انسان:

"خدمت امر الله عبارت از تزیه و تقدیس و تجرید و تفرید است و ظهور به شئون رحمانی در بین ملاء

انسانی و ثمر و اثر این خدمت عزت قدیمه انسان است در جمیع عوالم الهی"

(جزوه خدمت و عبودیت، ص ۱۷)

## ۳- اقبال نفوس:

"اگر احبای الهی چنانچه باید قیام کنند و به حالتی آیند که هر یک مصداق و اجمل اورادی ورد"

واحداً و حالتی فی خدمتک سرمداً گردد و به کلی در امر الله محو و فانی، طولی نمی کشد که جمیع اسم را

منتقل می نمایند ولو در هر شهری دو نفر مؤمن مخلص یافت شود که به کلی از خود بگذرند کفایت است.

(سفرنامه مبارکه، ج ۲، ص ۳۰۱)

## ۴ - اصلاح عالم

"خدمت حق امری است که سبب اصلاح عالم است نه نزاع و جدال" جمال مبارک

(امر و خلق، جلد ۳، ص ۲۱۰)

## ۵ - نمو و ترقی روح انسانی؛

"حقیقت مطلب اینست که خدمت در امر شیبه به خیشی است که زمین را شخم می‌کند تا برای بذر افشانی آماده گردد. لذا ضروری است که زمین را شخم زنند تا قدرت یابد و موجب رشد سریع دانه گردد. عیناً به همین طریق نیز تکامل روحانی از راه شخم اراضی قلوب حاصل می‌گردد. پس این انعکاس دائمی روح القدس است که سبب نمو و ترقی روح انسانی می‌گردد و پیمودن مراحل ترقی را تسریع می‌نماید."

حضرت ولی امرالله (نمونه حیات بهائی، ص ۴۶)

"قریبت حق در بلندی و پستی نه بلکه در تربیت و بتل و تضرع و بندگی اجبای الهی. هر چه به این عبودیت بیشتر موفق گردی قریبت الهیه بیشتر میسر گردد و به حق نزدیکتر شوی." حضرت عبدالبهاء (مکاتیب جلد ۸، ص ۲۲)

## ۶ - فوز و فلاح، فرح و بهجت :

"آنچه سبب فوز و فلاح و نجاح است، خدمت امرالله است و الا عمر بیهوده بگذرد و ابداً نتیجه‌ای

ندارد." (مآلده آسمانی، جلد ۲، ص ۱۳۵)

"خدمت اجباً شاهد پر حلاوتست و سبب سرور و فرح و بهجت."

در این سالهای حیاتی در سرنوشت بشر، حقیقتاً فرصتی نیست که انزوا پیشه کنیم و بخود مشغول باشیم. معهد اعلی این حقیقت را در پیام ۸سامبر ۱۹۶۷ (ص ۱۷ مجموعه تحقق یدخلون فی دین الله افواجاً) اینچنین مؤکد می‌فرمایند: "ولی نقشه کوچکترا خداوند متعال برای اجرا به عنوان نقش ما در این طرح بزرگ او برای فلاح نوع انسان به ما تفویض کرده... برای انجام این کار ما باید تمام قوای خود را مصرف کنیم. زیرا جز ماکسی دیگری برای انجام این کار وجود ندارد."

پس خود فرد در این میان چه می‌شود؟ مگر حضرت عبدالبهاء نمی‌فرمایند: "اول باید وجود انسان

خود منقطع و منجذب باشد تا نفسش در دیگران تأثیر نماید؟" و نیز "زیرا تا انسان اول خود کسب کمالات

نمایند به دیگران آموختن نتواند تا خود حیات نیابد دیگران را حیات نبخشد. پس ما باید بکوشیم تا اول خود کسب فیوضات ملکوتیه نمایم، حیات ابدیه یابیم تا بتوانیم روح به امم عالم دهیم جان به جهانیان بخشیم.

(سفرنامه، ص ۴۰۱). مگر حضرت ولی امرالله فرموده‌اند: "جنبه فکری و روحانی هر جوان بهائی

قبل از آنکه بتواند به نحو اکمل در دایره خدمات امریه وارد گردد باید مورد بسط و تقویت قرار گیرد."

بیانات مبارکه فوق نیز مؤید اصل خدمت به دیگران و اصلاح عالم است. در حقیقت جنبه‌ای که

مربوط به فرد می‌شود همان "حیات یافتن" و کسب فیوضات، عرفان و محبت و نیت خیر است که

حرکت اولیه برای هر عمل و خدمتی است. هر فردی به محض اینکه به عرفان و حب محبوب فائز شد،

دیگر نمی‌تواند آرام بنشیند و باید به خدمت قیام کند. آنجا که فرد مأمور است اول به خود خدمت کند

همین حرکت اولیه است. اما نحوه پیشرفت در این مسیر و سرعت گرفتن در این راه، دیگر از طریق انزوا و

تکمیل فردی نفس نیست، بلکه از طریق داخل شدن به فضای اجتماع و خدمت به دیگران حاصل

می‌شود. در حقیقت در میدان خدمت به اجتماع است که فرد عرفان، محبت و نیت خود را به محک

تجربه می‌زند و به نواقص خود پی می‌برد و در این مسیر عرفان خود را عمیق‌تر و لطیف‌تر می‌سازد.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: "در مدرسه تابستانه شرکت کنید و معلومات امریه خویش را توسعه دهید و

قیام به مهاجرت نمائید و به تکمیل خود در میدان تبلیغ و نطق بپردازید. این است طرقتی که وسائل ترقی و

خدمت شما را در سبیل امر الهی فراهم می‌سازد." (توقیعات ۱۰۹ - ۱۰۲، ص ۸۸)

انسان در بوته خدمت و امتحانات آن، در ارتباط با نفوس می‌آموزد که چگونه بر نفس خود خواه

غالب آید و خود را فدای اصلاح نفوس دیگر نماید. و این حالت اوج مقام عبودیت و فناست که در کور

آدم، اهل سلوک برای دستیابی به آن انزوا می‌گزینند و چله می‌نشستند و ریاضت می‌کشیدند ولی اکثراً

در نهایت جز به هدایت نفس خویش قادر نبودند. در حقیقت همانطور که جمال ابهی در مناجاتی

می‌فرمایند: "اسئلک بان تأخذنی منی" فرد در مسیر خدمت از خود می‌میرد و در "رضای حق که در خلق

است" زنده می‌شود و چه کمالی برای فرد از این بالاتر که به عبودیت بندگان حق بپردازد.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که فرد با موهبت خدمت به دیگران در حقیقت به خود بیشتر

خدمت می‌کند و به نتایجی می‌رسد که شاید از طریق خدمت به خودش نمی‌توانست به آن برسد.

## ب: انواع خدمت :

## ۱ - خدمت به عالم انسانی

"ای یاران الهی به کمال نشاط و انبساط عالم انسانی را خدمت نمائید و به نوع بشر منتحبت نمائید. نظر بحدودی نکنید و ممنوع به قیودی نشوید." (مکاتیب جلد ۴، ص ۱۳۴)

"امروز هر کسی به وحدت بشر خدمت کند، در درگاه احدیت مقبول است..."

(جزوه خدمت و عبودیت، ص ۱۵)

## ۲ - خدمت به امرالله :

جمال اقدس ابهی در کتاب مستطاب اقدس آیه ۷۴ می فرمایند:

"يَا عِبَادَ الرَّحْمَنِ قَوْمُوا عَلَيَّ خِدْمَةَ الْأَمْرِ عَلَيَّ شَأْنٍ لَا تَأْخُذْكُمْ الْأَحْزَانُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَمْطَلَعُ الْآيَاتِ."

"عزت و حیات جاودانی در ترک شئون نفسانی و خدمت به آستان الهی است. جمیع نائیدات طائف حول نفوس است که قائم بر خدمت آستان احدیتند. هیچ امری جز عبودیت جمال مبارک مؤید نیست. آسایش من در خدمت امرالله است و راحت و مسرت من در عبودیت آستان حضرت بهاءالله. آنچه سبب فوز و فلاح و نجاح است خدمت امرالله است و الا عمر بیهوده می گذرد و ابداً نتیجه ای ندارد."

(جزوه خدمت و عبودیت، ص ۱۹)

"باید دوستان الهی به خدمت امر مشغول شوند و خدمت امر عمل به آنچه در کتاب الهی نازل بوده و خواهد بود."

(مآله آسمانی، جلد ۸، ص ۱۴۱)

## ۳ - خدمت به احبباء الله

"الیوم شرف و منقبتی و میمنت و سعادت اعظم از خدمت بندگان الهی نه خدمت عبودیت درگاه احدیت است و سبب مسرت قلوب در جهان وحدانیت"

(مکاتیب عبدالبهاء، ج ۷، ص ۲۰۱)

"ای بنده حق تا توانی بخدمت احببای الهی پرداز. زیرا خدمت احببای بندگی درگاه حضرت کبریاست و مقبول بارگاه جمال ابهی. دقیقه میاسا و آنی راحت مجو بلکه به جان و دل بکوش که یاری از یاران را غاشیه بر دوش گردی و سبب فرح و شادمانی قلب نورانی شوی. اینست موهبت که جبین عبدالبهاء به آن روشن تو نیز شریک و سهم او شو."

(جزوه خدمت و عبودیت، ص ۴۹)

## ۴ - خدمت در تشکیلات امری :

"باید افراد بهائیان در هر کشور و اقلیمی به تمام قوی و در کمال صمیمیت قیام بر نصرت نمایندگان محلی و مرکزی خویش نمایند و اطاعت و تمکین قرارهای صادره از آن مراجع عالیله استمیه نهائی نمایند و آراء و افکار و تمایلات شخصی خویش را در ظل اراده و تصمیمات هیئت ممثلین خویش در آورند و به مساعدت و خدمت و معاضدت نمایندگان متوجه خویش برخیزند و من دون تردید مؤید و نافذ و ناصر و ناشر تشریحات ممثلین خود گردند و به هیئت امنای امر الهی رسمیت دهند و شخصیات را در جمیع موارد بلا استثناء تابع هیئت دانند".

(توقیعات مبارک، جلد دوم، ص ۱۲۴)

## ۵ - خدمت به وطن و حکومت

"اهل بهاء در ظل هر دولت و حکومتی به صدق و صفا و امانت و تقوی رفتار نمایند نه تشنه شهرتند و نه طالب ریاست نه اهل ریا و تملقند و نه در پی جاه و مکتب نه طالب مسند و مقامند و نه اسیر رتبه و شأن... از خود گذشته اند و به نفع عموم پرداخته... وظایف اداری را به دل و جان قبول کنند زیرا مقصد اصلی اهل بهاء تقدم و پیشرفت مصالح ملت است... اینست طریقت بهائیان اینست مسلک روحانیان و ماعداء ضلال مبین".

(توقیعات مبارکه، جلد ۲، ص ۲۲)

"اگر نفسی موفق بر آن گردد که خدمتی به عالم انسانی علی الخصوص ایران نماید سرور سروران است و عزیزترین بزرگان اینست غنای عظیم و اینست گنج روان و اینست ثروت بی پایان". حضرت عبدالبهاء

(حیات بهائی، ص ۶۶)

## ۶ - خدمت به والدین :

حضرت بهاء الله در لوح مبارک به افتخار جناب اشرف زنجانی می فرماید قوله الاحلی:

"إِنَّا وَصَّيْنَاكُمْ فِي الْكِتَابِ بَأَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا كَذَلِكَ قَالَ الْحَقُّ وَ قُضِيَ الْحُكْمُ مِنْ لَدُنِّ عَزِيزٍ حَكِيمٍ... قُلْ يَا قَوْمِ عَزِّرُوا آبَائَكُمْ وَ وَقَرُّوهُمَا وَ بِذَلِكَ يَنْزِلُ الْخَيْرُ عَلَيْكُمْ مِنْ سَحَابِ رَحْمَةِ رَبِّكُمْ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ... إِنَّا كُنَّا أَنْ تَرَكِبُوا مَا يَحْزَنُ بِهِ آبَاكُمْ وَ أُمَّهَاتِكُمْ أَنْ أَسْلَكُوا سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنَّهُ لَسَبِيلٌ مُسْتَقِيمٌ وَ إِنْ يَخِيَرِكُمْ أَحَدٌ فِي خِدْمَتِي وَ خِدْمَةِ آبَائِكُمْ وَ أُمَّهَاتِكُمْ أَنْ اخْتَارُوا خِدْمَتَهُمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا بِهَا إِلِي سَبِيلٌ كَذَلِكَ نَصَحْنَا وَ أَمَرْنَاكَ أَنْ أَعْمَلُ بِمَا أَمَرْتُ مِنْ لَدُنِّ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْجَمِيلِ"

(اخلاق بهائی، ص ۲۲۵)

## ج: مصادیق خدمت:

در امر مبارک حضرت بهاء‌الله، شرافت و منقبت والائی از برای قائمین بر خدمت قائل گردیده‌اند. مقام، صفات و نعوتی که جانفشانی و فداکاری در راه امر جلیل داراست و قائم به خدمت بدان: متصف است و صف ناپذیر است.

از بین قدمای امر مبارک و خادمین برآزنده امرالله یکی را برگزینید و شرح خدمات و حالات و خصوصیات وی را از منابع موجود استخراج و ارائه نمایید.

## درس چهارم:

## میادین خدمت:

نفس خدمت که از وجوه ممیزه عبودیت درگاه الهی و ایقان مؤمن حقیقی است خود فی نفسه میادین متعدده و وجوه متنوعه بسیار دارد. اما چرا چنین است؟ و چرا حق، به مضامین آثار مقدسه نازل میادین مختلف به جهت خدمت آشکار فرموده است؟

حضرت ولی امرالله می فرمایند: " همه ما قادر نیستیم که به طور یکسان به امر خدمت کنیم." (نمونه حیات بهائی، ص ۲۵)

و این تنوع میادین خدمت به طور وضوح به دلیل وجود استعدادها و موقعیتها و امکانات متفاوت حاصل شده است. اما حقیقت این است که به یقین مبین ساختار پر افتخار تاریخ امر مبارک تاکنون مبین وسعت دایره خدمات احبباء جانفشان و ثابت قدم سراسر عالم بهائی بوده است.

ذیلاً برخی از میادین خدمت که مأخوذ از آثار مبارکه است و هر یک بر حسب موقع و موقف و استعداد موجوده اهمیت و ارجحیت خاص خود را دارد ذکر می گردد.

## ۱- ارتفاع ذکر الهی

۲- تبلیغ و نشر نفعات الله (که در شرایط کنونی مهد امرالله تبلیغ به اعمال است).

۳- اعمال طیبه، انجذاب و انقطاع، عرفان و عبودیت، تخلق به اخلاق، الفت و محبت

۴- اطاعت از والدین

۵- تربیت اطفال

۶- دستگیری از ضعفا و اعانت فقرا

۷- شرکت در فعالیت های جامعه امر، اطاعت

۸- کسب معارف امریه و علوم متعارف و نشر آن

۹- تقدیم تبرعات

۱۰- استقامت، تحمل بلايا

۱۱ - تلاوت آیات

۱۲ - خدمت به نوع بشر

۱۳ - اشتغال به مشاغل عام المنفعه و ملبّس بودن به صداقت

۱۴ - دارا بودن حیات بهائی

همانگونه که ذکر گردید خدمات در سبیل امر مبارک بسیار متنوع و اقتضای زمان و مکان، حاکم بر تعیین اولویت‌ها برای افراد جامعه است. از این روی در آثار مبارکه و کلمات قدسیه برخی از خدمات، از اعظم طرق خدمت محسوبند و در مورد آنها لفظ اعظم خدمت بکار رفته است.

همچنین رهنمودهای پیاپی مرجع مضمون از خطای بهائیان عالم نیز مدلول همین اهمیت مقتضیات زمان و مکان است که مستمرا "متدرجا" پیروان حضرت بهاءالله را در جمیع شئون و احوال شخصی و اجتماعی هدایت و به مقصود اعلیٰ نزدیک ساخته و می‌سازد.

چه وجوه مختلفه دیگری از خدمت را می‌شناسید؟

به نظر شما کدامیک از زمینه‌های خدمت در شرایط فعلی مهد امرالله از اولویت برخوردارند؟

**وجوه خدمت در شرایط کنونی مهد امرالله :**

به استناد رهنمودهای معهد اعلیٰ نمونه‌هایی از وجوه خدمت در شرایط حال کشور مقدس ایران

مطرح است که مأخوذ از جزوه شماره ۴۱ نشر معارف امری ذیلا درج می‌گردد:

- ۱- "این ایام شهادت بگذرد و زحمات مستولیه در این عالم فانی فراموش گردد. ولکن نتایج عالیه که ثمره حتمیه بذل جان و مال و تحمل زحمت و بلا در راه جمال ایهی است الی ابد باقی ماند..." (ص ۸۳)
- ۲- "حقیقه" یاران ایران مبداء حرارت و مرکز حرکت هستند و قدر این مقام و خدمات را بدانند." (ص ۸۵)
- ۳- "یاران ایران مطمئن باشند قدر و مقام و شجاعت و شهامت کسانی که در آنجا مانده‌اند از نظر فراموش نمی‌شود و مقام و موقعیت آنها قابل مقایسه با افرادی که از ایران خارج می‌شوند نیست... معهد اعلی چقدر تقدیس می‌کنند افرادی را که در میدان خدمت در ایران باشند. آنهائیکه در ایران در میدان خدمت هستند قدر این ایام را بدانند علی الخصوص جوانان عزیز" (ص ۸۶)
- ۴- "باقی ماندن در موطن جمال مبارک ولو به حسب ظاهر محرومیت‌ها و مشکلاتی را در برداشته باشد اجرش بیشتر از حتی خدمت در میادین دیگر است." (ص ۹۴)
- ۵- "الیوم خدمتی اعظم از استقامت یاران ایران نیست که در آن کشور مقدس چون شیران یشه عرفان ایستاده و از هجوم سهام قضا خوف و هراس به خود راه نداده‌اند..." (ص ۹۴)
- ۶- "... آن عزیزان در مهد امرالله بالمره خود را مستغرق بحر آیات و الواح نموده و می‌نمایند... انشاءالله وقتش خواهد رسید که از خرمن معارفی که تحصیل کرده‌اند به دیگران نصیب وافر بخشند و در میدانهای بین المللی در عبودیت جمال ایهی موفق گردند... و با این روحیه قوی و قلب مطمئن به خدمت عظیمی که در پیش گرفته‌اند قائم و دائم باشند." (ص ۱۰۷)

## ویژگی های فرد خادم

## خلوص

حضرت بهاء الله می فرمایند: "الیوم یوم خدمت است الیوم یوم عمل خالص است."

(عبودیت و خدمت، ص ۴۷)

"درباره نیکوکاری و خوشرفتاری و ابراز مهربانی و خدمت به نوع انسان تأکید می فرمودند و می فرمودند اینها وقتی مقبول است که مقدس از شائبه ریا باشد و الا اگر مقصود و منظوری باشد هر چند آن منظور مقدس باشد باز هم این نیکوکاری آلوده به ریاکاری است و فی سبیل الله محسوب نه و چندان تأثیر در عالم وجود ندارد می فرمودند هر قدر می توانید بی ریا خویی کنید و منتظر نتیجه هم نباشید."

(خاطرات ۹ ساله، ص )

"... باید به هر نحوی که ممکن است قبل از هر چیز قلب را صاف و تیت را خالص نمود و الا اقدام به

هیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد..." حضرت ولی امرالله (نمونه حیات بهائی، ص ۵)

## انقطاع

"... شب و روز بکوش و تضرع و ابتهاج نما که قوه انقطاع احاطه نماید و فیوضات تضرع و ابتهاج متتابع

و مستمر شود. قلب مانند آفتاب گردد و روح مستبشر به مواهب رب الارباب. نفس مطمئنه گردد و حقیقت

قلب راضیه و مرضیه تا روح قدسی جلوه نماید..." حضرت عبدالبهاء (مکاتیب ج ۷، ص ۳)

بینید یازده نفر حواری چه کردند چگونه جانفشانی نمودند به شما می گویم که بر اثر قدم آنها مشی کنید

چون انسان منقطع باشد عالمی را منقلب می نماید..." (بدایع الآثار، ج ۱، ص ۲۱۱)

"انقطاع صرف و خدمت صادقانه تنها نیروی فعاله هر مؤمن حقیقی است..." (حضرت ولی امرالله)

(نمونه حیات بهائی، ص ۴۹)

## محویت و فنا عبودیت:

"در اصحاب عیسی بن مریم تفکر نما به اخذ اعشار و سمک مشغول بودند و لکن از پرتو انوار چنان به

مقامی رسیدند که عالم را صید نمودند. چه که از خود و ما عندهم گذشتند و به ما عندالله اقبال کردند و تمسک

جستند اراده و مشیت خود را در مشیت الله محو و فانی نمودند و به خدمت قیام کردند."

جمال قدم

(مجموعه اشراقات، ص ۲۷۲)

"اگر احبای الهی چنانچه باید قیام کنند و به حالتی آیند که هر یک مصداق و اجعل اورادی و رواداً واحداً و حالتی فی خدمتک سرمداً گردد و به کلی در امرالله محو و فانی، طولی نمی کشد که جمیع انتم را منقلب می نمایند ولو در هر شهری دو نفر مؤمن مخلص یافت شود که به کلی از خود بگذرند کفایت است." حضرت عبدالبهاء (سفرنامه، ج ۲، ص ۲۰۱)

### خضوع و اناب:

"طوبى لِفَقِيرٍ اُقْبِلَ بِقَلْبِهِ اِلَى بَحْرِ الْفَنَاءِ وَلِعَلِّ اِرَادَ الشِّفَاءِ وَتَقَاعَدِ قَامَ عَلَى خِدْمَةِ اَمْرِ اللّٰهِ بِخُضُوعٍ وَاِنَابٍ."

جمال ابهی

(اشراقات، ص ۱۷۷)

"ای حزب الله هر نفسی را مشاهده کنید که توجه تام به امرالله دارد و مقصد محصور در نفوذ کلمه الله. شب و روز به نیت خالصه خدمت امر می نماید و ابداً در روش و سلوک راتحه خود خواهی و اثری از غرض شخصی نیست بلکه سرگشته بیان محبت الله است و سرمست باده معرفت الله و منهک در نشر نفعات الله و منجذب به آیات ملکوت الله یقین بدائید که موفق ملکوتی شود و مؤید آسمانی گردد و مانند ستاره صبحگاهی از افق موهبت ابدی بنهایت نورانیت درخشنده و تابنده خواهد شد..."

### شجاعت:

جمال قدم در سورة السلطان می فرماید: "قم على خدمة الله و نصره و لا تخف من احد و ان هذا

امرالله عليك و قضى من قلم عزميين."

و نیز "قم على خدمة ربك و لا تلتفت الى الذين هم كفروا بالله و كانوا من المنكرين ان اذكر الناس

بالحكمة و الموعدة و لا تجادل مع احد في امر ربك..." جمال قدم (آثار قلم اعلى، ج ۳، ص ۱۶۱)

### روح و ريحان:

"لك ان تقوم على خدمة الامر بالروح و الريحان و الحكمة". جمال اقدس ابهی

(مجموعه الراح مبارکه طبع مصر، ص ۲۱۷)

و نیز: "طوبی از برای نفوسی که به روح و ريحان به ذکر محبوب عالمیان مشغول اند و به خدمت قائم".

(امر و خلق، ج ۳، ص ۹۰)

و نیز به کمال روح و ریحان به خدمت امر جاهد و ساعی باش."

(مجموعه الواح خطاب به سمندر، ص ۵۴)

### تنزیه و تقدیس

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"ما که بنده آن آستانیم باید به وصایا و نصایح جمال مبارک قیام نمائیم و نافه مشکبار بر جهان و جهانیان نثار کنیم راه تقدیس پوئیم و راز تنزیه گوئیم و سبیل طهارت کبری پوئیم و به گفتار و کردار و رفتار آیت موهبت پروردگار شویم..."

### صبر و شکیبائی

"یاران در مورد یکدیگر صبر و شکیبائی را پیشه سازند و به این نکته توجه نمایند که امر هنوز در مرحله طفولیت است و مؤسسات و تشکیلات آن در انجام وظائف کمال مطلوب را بدست نیاورده. هر چه صبر و شکیبائی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت به یکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد ترقی جامعه بهائی به طور کلی افزونتر خواهد گشت." حضرت ولی امرالله (نمونه حیات بهائی، ص ۲۱)

### هو الله

ای بنده الهی گوش شنوا بگشا و نصیحت عبدالبهاء شو. در این دار فانیه ثمره و نتیجه ای نه و بهره و نصیبی نیست. عاقبت خزان است و انجام امور ضرر و زیان. مگر آنکه انسان بنیان باقی بگذارد و بنیاد امر بنهد و آن خدمت امرالله است و عبودیت درگاه کبریا. جز به آن دل میند و دون آن مطلب.

علیک التحية و الثناء ع